

تساهل و تسامح در اسلام

کتابخانه اسماعیل کاظمی

مدرس حوزه علمیه الصلحی - بیرجند

تعریف تساهل^(۱) و تسامح^(۲):

بر اساس آنچه در کتابهای لغت آمده: تساهل و تسامح^(۳) یک معنا دارد، و آن آسان گرفتن و گذشت است. اما مترادف بودن این دو واژه زمانی است که با هم استعمال شوند. و اگر جداگانه بیان شوند، معنایشان فرق می‌کند. چون تساهل نوعی سهل انگاری و اباحه گری است، بر خلاف تسامح که در آن مدارا و گذشت همراه با اقتدار و بزرگواری است.

به عبارت دیگر تسامح از ماده «سمح» به معنای بخشش و نوعی کنار آمدن همراه با جود و بزرگواری و حلم و بردباری است. اما در اصطلاح، تساهل و تسامح به معنای مداخله نکردن آگاهانه در عقاید و اعمالی است که مورد قبول و پسند شخص نباشد. به تعبیر دیگر تساهل باید در بین افرادی انجام شود که بنحوی با هم اختلاف داشته باشند. بنابر این مدارا و همزیستی مسالمت آمیزی که در میان افراد جوامع هم عقیده وجود دارد، از این تعریف تساهل خارج است.

پس نتیجه می‌گیریم که تساهل و تسامح هرگز به معنای پذیرش عقیده مخالف نیست، چرا که تساهل و تسامح با هدف حفظ ایمان مسلمانان در برابر دیگر ادیان شکل گرفته، نه پدید آوردن حالت انفعالی در مسلمانان؛ اسلام بر خلاف پندار ناآگاهان، در برابر انحراف با قاطعیت می‌ایستد و از موازین خود دفاع می‌کند. اگر به گذشته تاریخ اسلام بنگریم می‌بینیم یکی از شیوه‌های اولیه اسلام دعوت به مداراست، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و سلم پس از تسلیم شدن کفار از گذشته آنها چشم پوشی می‌کرد و حتی به آنها مسئولیت می‌داد.

گذشت پیامبر صلی الله علیه و سلم از مسلمانان در جنگ احد و جنگ تبوک، تخلف ابولبابه، عفو وحشی قاتل حمزه سیدالشهداء،

مدتی است که بحث تساهل و تسامح در جامعه ما مطرح است. این بحث موافقان و مخالفانی دارد که در این باره اظهار نظر کرده‌اند که هر یک جای بحث دارد.

آنچه مراوداشت تا در این باره مطالبی را به رشته تحریر در آورم، بیانات ارزشمند عالم ربانی و دانشمند عرصه سیاست و دیانت، مولانا فضل الرحمن، رهبر حزب جمعیت علمای اسلام پاکستان بود که در جلسه ختم بخاری و مراسم فارغ التحصیلی طلاب حوزه علمیه دارالعلوم در مسجد مکی زاهدان ایراد فرمودند. ایشان در بیانات ارزشمند خود درباره اتحاد مسلمانان فرمودند: «در عصری که کفار برای پیشبرد منافع و اهداف شومشان بر ضد مسلمانان امت واحده شده‌اند و هر روز به بهانه‌های واهی در پناه سازمانهای به اصطلاح حقوق بشر، حقوق مسلمانان را نادیده می‌گیرند و پایمال می‌کنند، ذخایر زیر زمینی و ثروت و دارایی مان را غارت می‌کنند و عزت و غیرت مان را خوار می‌سازند، بر امت مسلمة است که به منظور حفظ کیان اسلام، وحدت را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده و از ابراز سلیقه‌هایی که موجب تفرقه در بین اقشار امت اسلامی می‌گردد و آنها را از یکدیگر دور می‌سازد اجتناب ورزند.

حتی مصلحت ایجاب می‌کند که در بعضی موارد به جهت منفعت امت اسلامی و مصلحت دینی، شخصی از بعضی نظرات بحق خود چشم پوشی نماید؛ که در این زمینه مثالهایی را از صدر اسلام بیان فرمودند که در ادامه مطلب به آنها خواهیم پرداخت.» اما آنچه در بیانات ایشان محرز بود و بیشتر به آن توجه داشت مسئله تسامح و تساهل در اسلام بود.

بد نیست ابتدا بدانیم که معنای تسامح و تساهل چیست و در چه مواقعی بکار می‌رود.

من حرج»^(۴) خداوند در دین تنگنایی قرار نداده است. سمحه سهله بودن شریعت بر گرفته از حدیث معروف پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم است که می فرماید:

«لم یسرلنی الله بالرهبانیه و لکن بعثنی بالحنیفة السهله السمحة»؛ خداوند مرا به گوشه گیری و انزوا بر نیانگیخته، بلکه به آیینی پاک و آسان و با گذشت برانگیخته است.

از این حدیث استفاده می شود که شریعت اسلام بالاتر از توان انسان نیست، بلکه سهل و آسان است.

نمونه هایی از سماحت اسلامی

فتح مکه: پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم تمام دشمنیها و بدیهای قریش را که در مدت ۲۰ سال دوران بعثت با مسلمانان داشتند، نادیده گرفت و در کمال بزرگواری و کرامت، همه را بخشید و فرمود: «ذهبوا انتم الطلقاء»؛ بروید شما آزادید. و به مسلمانان دستور داد که به هیچ روی به آزار و اذیت و دشنام و بدگویی آنان نپردازند.

صلح حدیبیه: در صلح حدیبیه با وجود این که ظاهر عهدنامه برای مسلمانان ذلت بار و خوارکننده بود، اما پیامبر با وسعت نظری که داشت، برای اهداف عالیتیر و بهتر و آینده ای روشن تر آن را پذیرفت؛ در حالی که اکابر صحابه همچون حضرت عمر و علی از پذیرش آن خودداری می ورزیدند، و آن رامایه ننگ و ذلت و خواری مسلمانان می شمردند، اما پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم چون مصلحت اندیش بود و مصلحت را در پذیرش آن می دید، تمام مسلمانان را ملزم به پذیرش و حفظ رعایت مفاد آن می نمود.

برخورد با نمایندگان نصارای نجران

در سال دهم هجری زمانی که نمایندگان نصارای نجران در مدینه منوره به حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم می رسند، و مسائل شان را بازگو می کنند، مورد احترام آن حضرت قرار می گیرند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم به آنان اجازه می دهند که در مسجد نبوی، مراسم عبادیشان را که وقت آن فرارسیده بود آزادانه انجام دهند و آنان در حضور پیامبر، در حالی که روبه جانب بیت المقدس (درست در جهت عکس قبله)

همه اینها انعطاف پذیری حضرت در طی ۲۳ سال دوران رسالت برای رسیدن به اهداف بلند الهی، و ارائه الگو برای ما مسلمانان می باشد.

حضرت به همان اندازه که از عذوفت و لطف سرشار بود، در زمینه اجرای حدود الهی هرگز قائل به تساهل و تسامح (به معنای سهل انگاری و کوتاهی کردن) نبود و در برابر کفار و منافقان، کمترین انعطافی نشان نمی داد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم رحمة للعالمین بود، ولی وقتی که کانون دین مورد تهاجم قرار می گرفت با تمام قدرت و شدت به دفاع از آن بر می خاست.

اسلام اصل تساهل و تسامح را به معنای درست و دقیق آن می پذیرد، و پیروان خود را به آن سفارش می کند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «ان الله تعالی رفیق یحب الرفق و یعطى علیه ما لایعطى علی العنف»؛ خداوند متعال نرم و مهربان است و نرمی و مهربانی را دوست دارد و به آن چیزهایی می دهد که به درشتی و نامهربانی نمی دهد.

یا می فرماید: «مداراة الناس نصف الايمان و الرفق بهم نصف العیش»؛ مدارا با مردم، نیمی از ایمان و نرمی و مهربانی آنان نیمی از زندگی است.

یا می فرماید: «ان الله امرنی بمداراة الناس کما امرنی باقامة الفرائض»؛ خداوند مرا به مدارا کردن با مردم فرمان داده است، آنگونه که به پاداشتن بایدها و واجبهها فرمان داده است. یا حضرت علی رضی الله عنه می فرماید: «سلامة الدین و الدنیا فی مداراة الناس»؛ سلامتی دین و دنیا در مدارای با مردم است. چنان که حافظ می گوید:

آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت با دشمنان مدارا

انسان دوستی در اسلام

انسانیت انسان از دیدگاه اسلام یک ارزش است و بر همین اساس، پاسداری از حقوق انسان را لازم می شمارد.

اسلام دین سمحه سهله است

در شریعت اسلام تکالیف دست و پاگیر و شاق و حرج آمیز وضع نشده است: «ما جعل علیکم فی الدین



پیامبر(ص)
رحمة للعالمین
بود، ولی
وقتی که
کانون دین
مورد تهاجم
قرار می گرفت
با تمام قدرت
و شدت به
دفاع از آن بر
می خاست.

که هنوز اسلام را بطور کامل نپذیرفته بودند، در بیشتر موارد در امر گسترش حاکمیت اسلام به آنها کمک می کردند، بسیاری از آنان که هنوز مسلمان نشده بودند، در پناه دولت اسلام در کمال آسایش و امنیت زندگی می کردند.

به گفته مسعودی در مروج الذهب، پس از سه قرن هنوز آتشکده های فراوانی در گوشه و کنار ایران به چشم می خورد، و زرتشتیان بدون هیچگونه دغدغه و هراسی در پرتو مهربانی و مهرورزی مسلمانان به مراسم دینی خود مشغول بودند.

در ابتدای دوره خلافت عباسیان، نحله ها و رشته های کلامی و فلسفی زیادی به وجود آمده بود و عقاید گوناگون و گاه بسیار ناسازگار و مخالف یکدیگر وجود داشت و صاحبان عقاید، در یک فضا و محیط به دور از تنش، در کنار هم بسر می بردند و هر کسی از عقیده و مرام خود دفاع می کرد. حکومت هم تا آنجا که به سیاست برخورد نداشت، آزادی عقیده را محترم می شمرد. از این روی، دانشمندان غیر مسلمان و حتی دهریان که در آن وقت به نام زنادقه خوانده می شدند، آزادانه عقاید خویش را بازگو می کردند.

عدالت و تسامح

عدالت زمینه ساز تسامح است، عدالت از مهمترین و برجسته ترین و والاترین پایه ها و استوانه های ارزشی و انسانی اسلام به شمار می رود.

عنصر عدالت از چنان اهمیت والایی در اسلام برخوردار است که بعنوان مهمترین هدف بعثت انبیاء یاد شده است: «لیقوم الناس بالقسط». اجرای عدالت به معنای گسترده آن و در همه زمینه های: سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی هیچ گاه ویژه مسلمانان نیست، هر جا اسلام حاکم شود، باید این ستون و رکن مهم وجود داشته باشد، به گونه ای که همگان، چه مسلمان و چه غیر مسلمان در پناه اسلام به آسانی بتوانند از این خوان گسترده بهره ببرند.

«یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شأن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون»؛ ای ایمان آوردگان برای خدا قیام کنید و از روی عدالت شهادت دهید، دشمنی بی که با دیگران دارید شما را

ایستاده بودند، بدون هیچگونه مزاحمتی مراسم عبادی خویش را بجا آوردند.

نجرانیان آزادانه با مسلمانان پیمان صلحی بستند که بر اساس آن در قبال پرداخت جزیه، مسلمانان از حقوق شهروندی آنها در مقابل تجاوز نیروی دشمن دفاع کنند همچنانکه از کیان و عرض خود دفاع می کنند، بدون اینکه آنها در جنگ شرکت کنند.

این پیمان در زمانی منعقد می شود که حکومت اسلامی در مدینه پایه های اقتدار خویش را استوار ساخته بود، و مسلمانان به راحتی می توانستند با قدرت شمشیر همه آنان را از بین ببرند و با استفاده از ضعف و درماندگی آنها عرصه را بر آنان تنگ کنند و مالیاتهای سنگینی از آنان بگیرند و از مراسم عبادی ویژه آنها جلوگیری نمایند و جلوی رفت و آمد و کسب و کار آنان را در مدینه منوره بگیرند، اما چنین نکرد بلکه با احترام با آنها برخورد کردند.

برخورد با یهودیان خیبر

یهودیان خیبر با آنکه پیمان شکنی کرده بودند و برای از بین بردن مسلمانان و ضربه زدن به اسلام در یک توطئه مشترک با کافران قریش همدست شده بودند، ولی پس از آنکه دژهای بسیار محکم آنها به دست توانای سربازان اسلام فتح شد و شکست خوردند و مسلمانان بر آنها چیره شدند، پیامبر صلی الله علیه و سلم به مسلمانان دستور دادند که بدون اجازه وارد خانه های آنان نشوند و به زنان و فرزندان آنان ستم نکنند.

همچنین در زمان خلافت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه که بخشهای وسیعی از سرزمینهای ایران به دست پر توان مسلمانان فتح شد و در عمل، ایران در قلمرو حاکمیت اسلام قرار گرفت، بر خلاف سخن برخی کینه توزان که می گویند ایران به زور شمشیر تسلیم شد، تاریخ ثابت کرده که نه تنها مردم ایران هیچ گونه آزار و اذیت و شکنجه ای از مسلمانان ندیدند، بلکه به گونه بی سابقه مهربانانه در زیر چتر حمایت اسلام قرار گرفتند.

ایرانیان آنچنان شیفته رفتار و کردار و منش مسلمانان شده بودند که پروانه وار گرد شمع وجود مسلمانان حلقه زده، با آغوش باز از آنان استقبال کردند. با این

عدالت

زمینه ساز

تسامح است،

عدالت از

مهمترین و

برجسته ترین

و والاترین

پایه ها و

استوانه های

ارزشی و

انسانی اسلام

به شمار

می رود.

و تسامح اسلامی سرچشمه می‌گیرد، تنها درباره پیروان ادیان الهی و اهل کتاب نبود، بلکه در مورد کافران و مشرکان نیز تا هنگامی که علیه مسلمانان دست به ترفند و توطئه‌ای نزده بودند، مراعات می‌شد: «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین»؛ خداوند شما را از دوستی آنان که با شما در دین ستیز و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد. تا از آنان بیزاری بجوید بلکه با داد و انصاف رفتار کنید که خداوند مردم دادگر و با انصاف را دوست می‌دارد.

هدف از تساهل و تسامح در اسلام

بطور کلی هدف اصلی از تمام دستورهای اسلام، بدون استثنا، در هر موردی که در آن بنحو و جوب یا استحباب امری شده، ایجاد نوعی محبت و الفت و برادری و اتحاد میان مردم و مسلمین است؛ مانند امر به نماز جمعه و جماعت، سلام کردن، مصافحه، مشورت، نصیحت، تعاون، اصلاح ذات‌البین، عدالت، صداقت، مواسات، ترحم، عطف، احسان به والدین، صلۀ رحم، مراعات حق همسایه، نوازش ایتام، ضیافت، قضاء حوائج مؤمنین، حسن معاشرت، هدیه و سوغات دادن، عیادت مریض، تشییع جنازه، تسلیت مصیبت دیده، تواضع، فرو خوردن خشم و سپاسگزاری از نیکوکاران.

و از هر عملی یا صفتی که بنحوی از آن بطور حرمت یا کراهت نام برده شده است، برای جلوگیری از پراکندگی و اختلاف و درگیری و نزاع میان مردم و مسلمین است.

مانند نهی از گمان بد، تجسس، دروغ و غیبت، ناسزا گفتن، تکبر، خودخواهی، استبداد و خودمحوری، مسخره کردن، نکوهش کردن، القاب زشت به دیگران دادن، تحقیر، قطع رحم، عقوب والدین، سخن چینی، نیرنگ و تزویر، نفاق، حسد، کینه توزی، خشونت، تعصب بیجا و غیره...

مرز تساهل و تسامح

تسامح و تساهل باید در چارچوب اصول و ارزشهای اسلامی و حفظ مصالح جامعه اسلامی

و ندارد که به عدالت رفتار نکنید. با آنان به عدالت رفتار کنید که این به تقوی نزدیک‌تر است و از خدا بترسید و تقوارا پیشه کنید که خدا به آنچه که می‌کنید، آگاه است.

منظور از دیگران، کفار می‌باشند که با مسلمانان دشمنی و کینه دارند. با این حال، مسلمانان به حکم آیه مبارکه مکلفند که با آنان به عدالت رفتار کنند و این اصل مهم اسلام را در حق آنان نیز مراعات کنند. توجه انسان به اصول انسانیت و پافشاری به برقراری عدالت و بهره‌مندی پیروان ادیان دیگر، حتی کفار از حمایت اسلامی، نقش مهمی در پیشرفت اسلام در قرنهای نخست داشته است.

مورخ معروف غربی ویل دورانت، با اعتراف به اینکه اسلام قرن‌ها در همه عرصه‌ها پیشتاز بوده است، می‌نویسد:

اسلام طی پنج قرن از لحاظ نیرو و نظم و بسط قلمرو و اخلاق نیک و تکامل سطح زندگی و قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی، احترام به عقاید و افکار دیگران، سیاست و ادبیات و تحقیق علمی و علوم و طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بود.

سیاست اسلام، در پدید آوردن رابطه با غیر مسلمانان که سرستیز و جنگ با مسلمانان را نداشته باشند و از فتنه‌گری و تجاوز پرهیزند، بر پایه صلح و دوستی و عدالت بنا شده است. از این رو اسلام همان طوری که مسلمانان را از بی‌عدالتی و ستم بر یکدیگر در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و فردی باز داشته است، آنان را از بی‌عدالتی درباره غیر مسلمانان هم برحذر داشته است.

در قرآن مجید، عامل پیدایش اختلاف بین امتها، بی‌عدالتی و تجاوز معرفی شده است. از این روی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم دستور داده که اعلام بداد: «و امرت لاعدل بینکم، الله ربنا و ربکم، لنا اعمالنا و لکم اعمالکم، لاجرة بیننا و بینکم الله یجمع بیننا و الیه المصیر»؛ من مأمورم در میان شما به عدالت رفتار کنم. خداوند پروردگار ما و شماست، نتیجه اعمال ما از آن ما و نتیجه کارهای شما از آن شماست. دشمنی شخصی در میان ما نیست و خداوند ما و شما را در یک جا گرد می‌آورد و بازگشت همه به سوی است. این برخوردارمهربانانه و انسان‌دوستانه که از تساهل

تسامح و تساهل باید در چارچوب اصول و ارزشهای اسلامی و حفظ مصالح جامعه اسلامی باشد.

در مکتب اسلام به همان اندازه که به تساهل و مدارا سفارش شده است بر پافشاری در اجرای آیینها و قانون و شدت عمل با دشمنان و مخالفان هم سفارش شده است. هم تسامح و تساهل خوب و لازم است و هم درشتی و پافشاری در اجرای قانونها و آیینها؛ ولی هیچ کدام مطلق نیست و هر کدام در جای خود خوب و به همان اندازه لازم و پسندیده است.

باشد، و اگر بیرون از این قلمرو باشد و بخواهد که به ارزشهای اسلامی خدشه وارد سازد و یا به تعبیر دیگر اگر تسامح و تساهل بخواهد راهی برای رواج بی بندوباری و لابلالی گری باشد، دیگر تسامح و تساهل نیست، و باید امر به معروف و نهی از منکر و واکنش در برابر منحرفان جانشین آن شود. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم که خود آورنده شریعت سمحه سهله است در برابر مخالفان و دشمنان و کسانی که با اسلام و قوانین مقدس دین الهی سر ستیز داشتند، با صلابت ایستادگی می کرد، زیرا در نظام اسلامی، توجه به ارزشهای اسلامی و احترام به آن یک اصل است و بطور طبیعی سیاست تساهل و تسامح در هر عرصه ای که باشد باید با حفظ اصول صورت پذیرد. بر این اساس به کارگیری سیاست تساهل و تسامح، اگر درست و با حفظ اصول و ارزشها صورت گیرد، نتایج ارزشمندی را در پی خواهد داشت و الا به امری ضد ارزشی تبدیل خواهد گشت.

پاورقی:

- ۱- تسامح: آسان گرفتن، مدارا کردن. (فرهنگ معین)
- ۲- تساهل: سهل گرفتن بر یکدیگر، به نرمی رفتار کردن. (فرهنگ معین)
- ۳- این کلمات به معنی سهل انگاری، کوتاهی کردن، و فروگذار کردن هم آمده است. اشکالی که در استعمال این کلمات پدید می آید در این است که گوینده، معنای خوب و مثبت آنها را در نظر می آورد ولی شنونده مغرض، معنای منفی و پست آنها را در نظر می آورد. حج: ۷۸.

در باب تساهل و تسامح این نکته را نیز باید در نظر داشت که آسان گیری و برخورد نرم و مدارا گرایانه در اسلام، گر چه پسندیده و مورد سفارش بزرگان است، اما وقتی پای ناسازگاری با حدود و قانونهای الهی به میان آید، نه تنها پسندیده نیست بلکه باید به سختی و درشتی در برابر آن ایستاد و بدون هیچ گونه چشم پوشی بر اجرای حدود الهی و حفظ ارزشهای دینی پافشاری کرد.

☑ در مکتب اسلام به همان اندازه که به تساهل و مدارا سفارش شده است بر پافشاری در اجرای آیینها و قانون و شدت عمل با دشمنان و مخالفان هم سفارش شده است.

